

آیا برآستی هم کارد به استخوان ملت هارسیده است؟! چگونه و کدام ملت ها ؟

انشعابات فکری یا انتقام گیری های شخصی و گروهی در اخوان المسلمین مصر! ؟

لژیون اسلامی در خدمت قذافی و جنگجویان القاعده در اختیار اُسامه بن لادن!

قسمت دوم :



محمد امین فروتن

آنچه در همین مبحث مرور خواهید کرد .

- | | |
|-----|---|
| ۱ : | مکتبی بر انشعابات در نهضت اصلاح گرایانه ای اخوان المسلمین مصر و عوامل آن در پرتو اندیشه های اسلامی ! و مرور کوتاهی بر تشکیلات لژیون اسلامی و جنگجویان القاعده |
| ۲ : | مسئولیت این همه فجائع بدوش کیست ؟ |

مدتی این مثنوی تأخیر شد و در قسمت نخست این یادداشت با توجه به بحران حاد و شدیدی که سراسر جامعه افغانی رابه لرزه در آورده است و بدون شک خطر درجه اول و بالفعل نیز ازین سو بوده و خطرات دیگر یا عجالتاً بالقوه است نه بالفعل یا هم از لحاظ جامعه شناسی جغرافیای در درجه بعدی قرار دارد و باید بصورت ریشه ای با توجه به مطالعه و بررسی ریشه ها و زمینه های ظهور و مسیر حرکت بزرگترین جنبش ها و حرکت های اجتماعی و سیاسی در خاورمیانه مورد ارزیابی قرار می گرفت . و اکنون که ریشه های تاریخی جنایات هولناک در جامعه افغانستان بویژه حادثه دخرآش آخر کابل بانک در شهر جلال آباد رادرامتداد هزاران جنایت اعلام شده و یاهم پنهان ، به حساب آوردیم وقتی کارد به استخوان میرسد ، وقتی کار بدستان! از کار! می مانند و بالاخره وقتی گرهی در کار می افتد چنین غوغای که امروز سرتاسر خاورمیانه را فرا گرفته است بوجود می آید ناگزیریم مجموع مسائلی را که بحران در شرق میانه و ریشه ، مبارزه با استعمار و استبداد حاکم بر آن سرزمین را در بر دارد مورد بحث قرار دهیم . با مطالعه و مروری بر تاریخ مبارزاتی نهضت اخوان المسلمین مصر یکی از اثر گذارترین نهضت اجتماعی و سیاسی در دنیا بویژه در سراسر خاور میانه خواهیم دید که تا پیش از

ظهور این جنبش سیاسی بر بستر تاریخ خاورمیانه اساساً مسأله هویت، استقلال و عدالت اجتماعی به نام «مای جمعی و حقیقی» در اندیشه های حاکم بر خاور میانه پیدا نکرده بود. این مفاهیم بویژه برداشت از مؤلفه «عدالت اجتماعی!» یا یک مفهوم بسیار محدود قبیله ای بود و یا یک مفهوم اشرافی و نژادی و منطقه ای! حتی بزرگترین ادیانی مانند یهودیت و مسیحیت با اینکه ادیان الهی بودند ولی به دلیل محدودیت های تاریخی که با آن دست و گریبان بودند، عمدتاً توجه خویش را به یک قوم خاص به نام بنی اسرائیل معطوف میکردند اما در اینگونه اوضاع و احوال بود که یکی از بزرگترین و اثرگذارترین نهضت اجتماعی و سیاسی بر نهضت های دینی منطقه آسیا و خاورمیانه در کشور مصر با الهام از اندیشه های سید جمال الدین افغانی، محمد عبده، علامه الکوکبی و دیگر مصلحین تأسیس و بنیاد نهاده شد. البته توضیح این مطلب نیز ضروری است که تاریخ مبارزاتی نهضت ها و جنبش های اصلاحی دینی را نباید مانند دیگر نهضت ها و حرکت های سیاسی جهان که برای رسیدن به اهداف استراتژیکی مادی خویش مشغول مبارزه بوده اند مورد ارزیابی قرار داد.

مبانی فکری و پیشا هنگان فلسفه سیاسی اخوان المسلمین :

شاید لازم نباشد با توضیحاتی که قبلاً بیان کرده ایم بحثی پیرامون افکار و اندیشه های نخستین بنیاد گذاران نهضت اخوان المسلمین مصر داشته باشیم با آنهم شناخت مبانی اندیشه های سیاسی رهبران و بنیاد گذاران این جنبش سیاسی و تاریخی ما را یاری می رساند تا در قلمرو این شناخت مانند هر حرکت دیگرسیاسی و اجتماعی در جهان علل و انگیزه های اصلی انشعابات، دسته بندی ها و گروه گرائی ها در این حرکت اجتماعی و تاریخی را نیز دریابیم. از اینکه نهضت اخوان المسلمین مصر بر شالوده های جهان بینی توحیدی و اندیشه های دین اسلام بنیاد گذشته شده و اسلام به مثابه یک ایدئولوژی جهان شمول مبنای استمرار رهبری سیاسی نهضت مورد بحث ما یا همان اخوان المسلمین مصر را تشکیل می دهد، لهذا فلسفه سیاسی آن در باره جهان و انسان نیز ناشی از همین نگرش است، بنابراین این درک و فهم فلاسفه، مصلحان و نخبه گانی که روح افکار و اندیشه های شان کالبد تشکیلاتی این جنبش را به حرکت در آورده است به شناخت ما از این نهضت اصلاحی کمک رسان خواهد بود.

۱ : تأثیر اندیشه های سید جمال الدین افغانی (۱۸۹۷-۱۲۱۷) بر کالبد اخوان المسلمین مصر :

علامه سید جمال الدین افغانی اصولاً اعتقاد داشت که اگر ما مشخص نکنیم و نشناسیم که «انسان» چیست و از این موجود ناشناخته چه توقعی باید داشت و اساساً این مخلوق در هستی بیکران الهی به کجا میرود؟ هیچ سازمان و نقشه و برنامه ای بدرد بخور نخواهد بود. زیرا انباشتن ابزار و مصالح در حالیکه درباره هویت حقیقی «انسان» و آینده وی هیچگونه آگاهی نداشته باشیم کوچکترین دردی از دردهای جامعه را دوا نخواهد کرد. این است که علامه سید جمال الدین افغانی به عنوان یک فلیسوف مسلمان و مصلح بزرگ «انسان» نمونه و ایده آتش را در این قلمرو و در هیئت یک «انسان» بنام «جانشین» یا «خلیفة الله» از فرشته گان زمینی و اشرف مخلوقات تعیین میکند و در رساله ای که بنام «مقالات جمالیه» در سال ۱۸۸۲ در شهر کلکته منتشر ساخته است در مقاله ای زیر عنوان «قصر سعادت» چنین مینگارد: «انسان ها را از دیر زمان و به سبب ادیان سه اعتقاد و سه خصلت حاصل شده است که هر یکی از آنها رکنی است رکین، از

برای قوام ملل و پایداری هئیت اجتماعی و اساس محکم در مدنیت و ترقیات امم و قبائل و موجبی است فعال برای دفع شر و افسادی که بر باد دهنده شعوب است . نخستین آن عقاید سه گانه جلیله اعتقاد است بر اینکه انسان فرشته ای است زمینی و اوست اشرف مخلوقات . دومی یقین است به اینکه امت او اشرف امم است » یکی از برجسته ترین توجیهاتی که علامه سید جمال الدین افغانی در اندیشه های خود دارد و بدان در چندین وجه و رکن پرداخته است شخصیت چند بُعدی و چند وجهی انسان که پس از مرگ آن مرحوم از سوی دانشمندان در حوزه « انسان شناسی » و استنباط از خلقت و فلسفه انسان مورد مطالعه قرار گرفت . ازاینکه علامه سید جمال الدین افغانی به نقش اجتماعی انسان بی نهایت توجه داشت و او را به عنوان یک " علت " در مسیر زمان و جامعه و سازنده تاریخ و "خویشتن" خویش می شمرد و این بینش فلسفی خود را محصول برداشت توحیدی از اسلام می دانست این جا روی همین انگیزه بود که به باور سید افغانی برای تبلور و تبارز اجتماعی این **خلیفه خدا** در هستی در سدد ایجاد یک تشکیلات سیاسی و فکری باید پیش قدم شد . و چنان حرکت و جنبشی را پایه گذاری کرد که مظهر ندای واحد امت اسلامی باشد . بنابر این لزوم ایجاد و براه انداختن یک نهضت بزرگ علمی و آزادی بخش میان اقشار مستضعف جامعه بویژه مسلمانان را وجیبه انسانی و فریضه مهم دینی مسلمانان خواندند . با الهام از چنین اراده آگاهی بخش بود که زمینه یک حرکت بزرگ اصلاحی در کشور عربی مصر فراهم گردید و مسلمانان تشخیص دادند که اگرهم بخواهند دیگر نه میتوانند به نحوی که تا اکنون زیسته اند زندگانی کنند و یا هم اصولاً اطمینان داشته باشند که زندگی با میتود ها و شیوه های که در گذشته ، تاریخ از اعتبار و ارزش برخوردار بودند همچنان برای همیشه معتبر باقی بماند . ! زیرا اینگونه اطمینان بر باور ها و اندیشه ها در دریای بیکرانی از پدیده های تازه و نوی که پیرامون زندگی انسان لحظه به لحظه سرازیر میگردد محو و نا پدید می شوند . از آنجائیکه افکار و اندیشه های علامه سید جمال الدین افغانی ، و شاگرد نامدار اش شیخ محمد عبده و سائر نخبه گانی که تفکرات انسان شمول آنها در پایه گذاری نهضت بزرگ اخوان المسلمین مصر و دیگر نهضت های اصلاحی و آزادی بخش خاور میانه و بالاخیره در اقصای عالم نقش اساسی بازی کرده اند و این چهره های تأثیر گذار بر نهضت های آزادی بخش و اصلاحی اکیداً باور داشتند که در زندگی واقعی و عینی انسان ، ضروریات و احتیاجات عمومی زندگی بشر از اهمیت خاص و مهمی برخوردار اند که اگر جوهر « انسان » را بخصوص در رابطه با نیاز ها و تمایلات مادی او را نه شناسیم و ماهیت وجودی و نیاز های غریزی وی را نه فهمیم هرگونه مکتب سازی حتی بنام دین و مذهب به بن بست می رسند و به همین دلیل است که بسیاری از مکتب های که هرچند بنام خدمت به انسان و بشر در تاریخ ظهور نموده باشند با همه تیوری ها و مکتب های سیاسی و اجتماعی حتی دینی و مذهبی عقیم می مانند . زیرا آنها مفهوم اصلی زندگی و جوهره « نیاز » و به قول علامه سید جمال الدین افغانی « مؤلفه خود انسانی » را نه شناخته اند و توجهی به مادیت و عینیت زندگی و احتیاجات آن ، آنطوریکه « هستی در ک نه نموده اند . این چنین عوامل و شناخت های از جامعه بشری سبب گردیدند که علامه سید جمال الدین افغانی و شاگرد ارجمند شان شیخ محمد عبده و دیگر متفکران نواندیش دینی را در موشگافی و تحلیل و شناسائی اسلام در هیکل یک نهضت بزرگ و تشکیلات فراگیر در تاریخ مصر و منطقه معرفی کنند ؛ تفکر و اندیشه علامه سید جمال الدین افغانی که بر مبنای آن بزرگترین حرکت اجتماعی و سیاسی در منطقه بنیاد نهاده شد بر معیار های اعتقاد و باور بر آزادی « باب اجتهاد » و بر استنتاج بر معیار ها و ملاک « خرد گرائی جمعی » استوار بوده است و به عقیده علامه سید جمال الدین افغانی ، محمد عبده و دیگر شخصیت ها و نخبه گانی که بنیانگذاران نهضت اخوان المسلمین مصر مانند « امام حسن البنا » ، « حسن الهضیبی » ، « سید قطب » ، « عمر تلمسانی » و دیگران که از اندیشه ها و افکار شان الهام گرفته بودند

بر این باور بودند که در فلسفه سیاسی اسلام شیوه رهبری و هدایت جامعه و راهنمایی های فردی بر پایه ایدئولوژی یا همان اندیشه و ایمان نهاده شده است که ایدئولوژی و تفکر اسلامی علم هدایت است و ارزشها را ایجاد و می آفریند. چنانچه قبلاً نیز اشاره گردید نهضت اجتماعی و تشکیلاتی اخوان المسلمین نیز به مانند دیگر حرکت های سیاسی و آزادی بخش در تاریخ جوامع شرقی متأثر از هویت تاریخی و جغرافیای ساکنانی از جغرافیای منطقه و خاورمیانه و عربی شده بود و اکنون نیز بوده است لهذا لزوماً با پارامتر های آسیب ها و عوامل سقوط و نزول بزرگترین و پایه دارترین حرکت های جهان بویژه در خاور میانه باید اندازه گیری کرد، و باید با دقت دید و مورد ارزیابی قرار داد که چگونه توده های فقیر و بی بضاعت مردم ساکن در مشرق زمین و خاورمیانه در برابر مشکلات اقتصادی مشت در گریبان اند؟ و باید انگیزه های اجتماعی، روان شناختی و سیاسی تمامی آن همه انشعابات و تجزیه های تشکیلاتی را نیز از نظر دوره ساخت که در شرائط خاصی تاریخی و جغرافیای جنبش اخوان المسلمین مصر دچار آن شده است. زیرا بسیاری چنین می پندارند که وقتی سخن از مذهب و اسلام به میان می آید بدون اندکترین تأملی بصورت عجولانه و یکجانبه قضاوت میفرمایند که دین را با علم و خرد و سیاست کاری نیست و نسخه معیوب فلاسفه قرن نوزدهم را که گفته بودند «دین افیون ملت ها است» تا توده ها بنام امید بعد از مرگ محرومیت و بدبختی های شان را در این دنیا تحمل کنند؛ آری! «دین افیون ملت ها است» تا مردم اعتقاد بر این داشته باشد که هر آنچه واقع میشود در دست خداوند است و هرگونه تلاش و کوشش برای بهبود وضع مردم مخالفت با اراده پروردگار است! سوال و پرسش اصلی ای که بوجود می آید این است که این کدام دین است؟ بلی! دینی است که با جوهر دین حقیقی و توحیدی کوچکترین وجه مشترکی ندارد و همین دین شرک است. چه این دین شرک بنام های دین توحید، دین ابراهیمی، دین موسی، دین عیسی در جامعه وجود داشته باشد یا حتی بنام های مقدسی چون «خلافت اسلامی!»، «خلافت اهل بیت!» و غیره!، توده ها و عوام کالانعام بی پناه را گروه، گروه و جوقه، جوقه با **تیر** مذهب مسخ شده مگر پیچانده شده در جامه توحید شکار میکنند. جالب و سخت شگفت انگیز است که علی الرغم انشعابات و دسته بندی های گوناگونی که بر مبنای تفاوت های فکری نسبت به **خدا، هستی** بویژه **انسان** در طول و عرض تاریخ جنبش اخوان المسلمین مصر ایجاد شده اند هنوز هم در قضاوت های برخی از پژوهشگران و مؤرخان معاصر رسوبات نوعی از جزم اندیشی و تجر فکری درزمینه قرئت حاکم بر اخوان المسلمین مصر یک پارادوکس روشنی در حوزه شناخت و هویت نهضت اجتماعی سیاسی اخوان المسلمین به مشاهده میرسند؛ تا آنجا که بیماری جزم اندیشی و تجرگرایی، خرافات و کژاندیشی های گوناگون فکری و سیاسی به علت وجود شبکه های فراوان جاسوسی و فراماسونری بین المللی نه تنها بر تنه های نحیف رژیم های سلطنتی و استبدادی اثر می گذاشتند بلکه بزرگترین حرکت های سیاسی و اجتماعی را نیز نگذاشتند که در راه انجام رسالت انسانی و آزادی بخش خویش گام های استواری را بردارند که در این دیدگاه معیوب تحلیل گران و کارشناسانی که از قضای روزگار جامه ای از **روشنفکری!** را نیز بر تن کرده اند بدون ارائه اسناد و مدارک ثقه و محکمه پسند فقط با اتکا به هیاهوی عنعنوی و سنتی اغیار ناانصاف و متحجری که اکثر شان درد منافع استعماری ای را دارا اند گفتمان حاکم بر تشکیلات نهضت اخوان المسلمین مصر را از جنس **«خشونت گرایی و هویت طالبانی»** معرفی میکنند در حالیکه نهضت اخوان المسلمین مصر نیز مانند هر حرکت دیگر سیاسی و اجتماعی زاده شرائط خاص تاریخی، سیاسی، فرهنگی بویژه جغرافیای بوده است که اگر نسل های آئنده بخاطر یک ضرورت حیاتی که کارشناسان و نخبه گان جامعه احساس کرده و لازم بینند که ریشه های اصلی و مسیر تاریخی این حرکت بزرگ و یا هر نهضت دیگری باید مورد مطالعه قرار دهند هر مؤرخ و روشنفکر جامعه و نسل ما را موظف میسازد که به دور از

تعصبات ویژه و مصنوعی ای که گاه گاهی از سوی معاندان و شب پرستان بصورت معمول زمزمه میشود گذشته تاریخی شخصیت حقیقی و حقوقی حرکت های فکری و سیاسی را مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهند ، مگر با دریغ و تأسف فراوان از آنجای که این حرکت بزرگ آزادی بخش ، سیاسی و اجتماعی نیز مانند هر جنبش ضد استعماری و ضد استبدادی دیگری در جهان و منطقه از گزند نفوذ شبکه های استخباراتی در همه رگه های زندگی بویژه در حوزه قرائت و گفتمان خشونت گرای مذهبی در زعامت این حرکت مصون نه ماند و همین برداشت های خشونت گرا سبب بسیاری از انشعابات و چند دسته گی در ساختار تشکیلاتی این حرکت بزرگ در خاورمیانه گردید نسل شبه تحلیل گر و شبه کارشناس در تاریخ معاصر به نمائنده گی از نسل جوان و پرخاشگری که برای حصول استقلال و آزادی در میدان آزادی یا همان « التحریر » سابق خون را هدیه میدهند حین قضاوت در باره این حرکت بزرگ اجتماعی آنرا نهضت واپس گرا ، متحجر و مجهز به لایه های فکری دینی با قرئت و گفتمان طالبانی میدانند ! تا از یکسو بتوانند نهضتی آزادی بخشی که سراسر خاورمیانه را فرا گرفته است ملهم از اندیشه های مذهبی با قرئت متحجرانه و ضد حقوق بشر و مردم سالاری معرفی کنند و از جانب دیگر بصورت نا خواسته و موهوم بر عمر دیکتاتورهای حاکم با فزاینده و نکته مهم دیگر اینکه تحلیل گران موجب بگیر و شبه روشنفکرانی که تحلیل حوادث و تحولات خاورمیانه را زیر ذره بین قرار میدهند مسأله بزرگترین و نمایان ترین انشعابات در نهضت تاریخی اخوان المسلمین مصر را کاملاً نادیده گرفته و حین ارائه تحلیل گونه های خویش آنرا نیز به سان حرکت ها و نهضت های که با انگیزه های مادی و دغدغه های « قدرت و ثروت » و در شرائط دیگر تاریخی و جغرافیای از بطن جامعه به متن آمده اند و از قضا ی روزگار توسط همین گروهی از درس خوانده های مادی جامعه به بحث و بررسی گرفته شده اند اکنون نیز تحلیل های هرچند معیوب درباره جوامع دیگری را به حیث نسخه مجربی از تحلیل ها محسوب میکنند ؛ وبزرگترین انشعابات که ریشه در جهان بینی و نوع اندیشیدن برخی از شخصیت های که در رهبری این جنبش قرار داشتند و بر گفتمان خشونت گرائی مذهبی مجهز بودند به اثر نفوذ شبکه های امنیتی و استخباراتی کشور های بزرگ به منظور تهیه هیزم نبرد در برابر کمونیسم و اتحادیه کشورهای پیمان و ارسا رسماً بنام گروه های « التکفیر و الهجره » و « جهاد اسلامی مصر » و چندین دسته دیگری انشعاب نمودند . و این روند سبب گردید تا اخوان المسلمین مصر از اهدافی که به قول اسحاق موسی الحسینی نویسنده بزرگ مصری از نخستین رسالت اش که در قبال جامعه و بشریت داشتند عدول نمود و این امر خود بسیاری از نا هنجاری ها در تاریخ این نهضت سبب گردید و آن اصول عبارت بودند از :

- ۱- علمی: ارائه یک تفسیر دقیق از قرآن و دفاع از آن در برابر تفسیرهای نادرس.
- ۲- عملی: دعوت مصر و دول اسلامی بر اساس اصول قرآنی و تجدید نقش و تاثیر عمیق آن.
- ۳- اقتصادی: گسترش و حفاظت از ثروت های ملی، ارتقاء سطح زندگی و تحقق عدالت اجتماعی
- ۴- اجتماعی و خیرخواهانه: مبارزه با جهل، خرافات و فقر عمومی .
- ۵- میهن دوستی و ملی گرایی: آزادسازی دره نیل و کلیه کشورهای عرب و در نهایت همه دنیای اسلام .
- ۶- جنبه انسانی و جهانی: ترویج صلح جهانی و تمدن انسانی بر بنیادهای جدید مادی و معنوی اسلام .

هیچکسی نه میتواند از این واقیعت بزرگ تاریخی انکار کند که جهاد مردم مسلمان افغانستان اگر از یکسونقطه عطف در تاریخ مردم افغانستان به شمار می آید از جانب دیگر پرده از بسیاری چهره های معاند دوست نما ، ریاکاران دغل باز ، بویژه در حوزه عمل و اندیشه را بر وی عموم مبارزان راه آزادی و استقلال بر ملا ساخت . و برای نخستین بار برخی لایه های فکری و خشونت گرای از جوانان عرب که برای گرم نگاهداشتن تنور جنگ و خشونت و از همه مهمتر برای مسخ ارزشهای متعالی جهاد که قبلاً از سوی شبکه های استخباراتی دخیل در امر جهاد مقدس افغانستان نشانی و صید گردیده بودند ، جوقه ، جوقه و گروه ، گروه در « **مسلخ خونین جهاد** » و در دریای از **خون** به شنا پرداختند . نکته مهم دیگر اینکه در همان محیط سربسته و مختنق جهاد مردم افغانستان در برابر اشغالگران روسی که بصورت طبیعی و سنتی از دیر به دینسو حتی از همان دوران امپراطوری تزاری ،کشور ما افغانستان به حیث مرکز رقابت های ذات البینی و دکتورین های امنیتی قدرت های بزرگ بویژه انگلستان و کشور های غربی از یکسو و روسیه تزاری از جانب دیگر قرار داشت . با این ترتیب وقتی انقلاب بزرگی بر مبنای اندیشه های مارکسیسم که در شرائط عمومی سرمایه داری کشورهای صنعتی اروپا از سویی یکی از فلیوسوفان نامدار آلمانی کارل مارکس **Karl Heinrich Marx** و از حامیان و هواداران اندیشه هاش فریدریک انگلس برای انقلاب در جامعه بورژوازی اروپای صنعتی نگاشته و تجویز شده بود در سال ۱۹۱۹ میلادی توسط حزب بلشویک روسیه برهبری ولادیمیر ایلیچ لنین در یک جغرافیای دیگری و شرائط دیگرسیاسی و فرهنگی به صورت یک کاپی بنام دیکتاتوری پرولتاریا در روسیه تزاری به پیروزی رسید همچنان استراتیژی و دکتورین امنیتی تزاریها که پیشتر بر استیلای کشورهای ضعیف و جهان سؤمی استوار بود مورد عمل زمامداران جدید نیز قرار گرفت . و آرام ، آرام ، از سرزمین افغانستان به مثابه تخته خیزهای نظامی ابرقدرت ها و کشورهای طماع منطقه و استفاده ای جیو پولیتیکی بعمل آمد . اما این بار همچون رگه های از سیلی آرام و ظاهراً ساکتی که توفان سهمگین و آتشفشان خروشنده ای را در اعماق خویش در خود فرو برده بود با ظاهر بسیار موجه و با درک و تشخیص روانی حرکت آزادی خواهانه مردم مسلمان افغانستان در تشکیلات غیر رسمی و عُرفی نزد مردم صاف اندیش افغانستان بنام « **عرب های افغان** » نامیده می شدند جاجا گردیدند . وبسیاری از نیروهای که به دلیل اختلاف با اندیشه ها و تفکرات بنیانگذاران روحی و مرشدان تشکیلاتی اخوان المسلمین مصر دست به انشعابات زده زده بودند برای گرم نگاهداشتن تنور مبارزه مسلحانه با کمونیزم و الحاد مورچه وار بسوی وادی جهاد افغانستان سرازیر گردیدند و آرام ، آرام در دامن شبکه های جاسوسی کشورهای اسلامی بویژه سازمان اطلاعات نظامی پاکستان و سازمان امنیت عربستان سعودی در ارتباط با شبکه های استخباراتی بزرگی چون سازمان اطلاعات مرکزی امریکا یعنی (**C.I.A**) و شبکه های خطرناک استخباراتی انگلیس مانند (**M16**) و شبکه امنیتی (**M15**) نمو میکردند و تحت نظر آنها به نام مبارزه با کمونیزم و الحاد میجنگیدند تا بالاخره با سقوط رژیم دکتور نجیب الله آخرین بازمانده کودتای ثور ۱۳۵۷ در افغانستان و پیروزی حکومت مؤقت مجاهدین برهبری حضرت صبغت الله مجددی که مصادف با بسیاری تغییرات و تحولات به سطح جهانی به نفع اردوگاه نظام سرمایه داری شده بود و کشورهای غربی با سقوط اردوگاه سوسیالیستی در منطقه مأموریت خویش را خاتمه تلقی نموده بودند افغانستان و در مجموع منطقه جنوب غرب آسیا را به کشورهای طماع و فرصت طلب منطقه واگذار کردند

ادامه دارد

حین نوشتن این یادداشت خبرگزاری های جهان اعلام کردند که پس از تصویب قطعنامه ای شورای امنیت سازمان ملل متحد که بخاطر دفاع از مردم بی دفاع لیبیا که در برابر رژیم معمر القذافی مبارزه میکنندحریم هوائی لیبیا را پرواز ممنوع اعلام کردند و مخالفان رژیم معمرالقذافی در شهر بن غازی سنگر گرفته بودند هواپیما های جنگی کشورهای ناتو برای حمله بر رژیم لیبیا و سقوط معمرقذافی وارد عملیات جنگی شده اند ، بدون شک بسیاری از معادلات منطقه و جهان را تغییر خواهند داد . که اگر فرصت باقی بود در آن مورد نیز تماس خواهم گرفت .